

بررسی حقوق خصوصی در زمینه مادر جانشین و روش‌های نوین باروری مصنوعی استفاده از رحم جایگزین

یداله نیکخواه نوری

مدرس دانشگاه، کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان

چکیده

یکی از حالت‌های مختلف استفاده از روش‌های نوین باروری مصنوعی استفاده از رحم جایگزین می‌باشد که اصطلاحاً به آن «اجاره رحم» نیز می‌گویند. بدین معنی که طبق قراردادی زنی (غیرهمسر) قبول می‌کند تا با استفاده از روش‌های کمکی تولیدمثل و با استفاده از اسپرم و تخمک والدین حکمی که در محیط آزمایشگاه بارور شده و به جنین تبدیل شده باردار شود و پس از سپری شدن مدت حمل و تولّد، فرزند را به زوج طرف توافق (والدین حکمی) تحویل دهد و در مقابل والدین حکمی نیز باید از عهده تعهدات با توجه به نوع قرارداد منعقد برآیند. اینگونه قراردادها با حقوق مربوط به شخصیت انسان ارتباط کامل دارند و در این زمینه در کشورمان نصّ صریح قانونی وجود ندارد و هر چند ماهیت حقوقی اینگونه قراردادها با هیچکدام از عقود معین در قانون مدنی با وجود شباهت با بعضی از آنها منطبق نیست، ولی به نظر می‌رسد اینگونه قراردادها بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی صحیح و لازم‌الاجرا می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: رحم جایگزین، والدین حکمی، تعهدات، قرارداد، مادر جانشین.

مقدمه

استفاده از روش رحم جایگزین برای باروری به دلایل مختلفی صورت می‌پذیرد؛ گاهی ممکن است زوجین از نظر بیولوژی و ژنتیکی بتوانند صاحب فرزند شوند، ولی زوجه به علت نقص یا نقایص ارگانیک نمیتواند جنین را در رحم خود پرورش بدهد؛ گاهی زوجه به دلیل امراض مختلف رحم خود را از دست می‌دهد؛ و در برخی موارد زن به طور مادرزادی فاقد رحم است. علاوه بر نقایص جسمی و پزشکی، گاهی ممکن است زن از حاملگی وحشت داشته باشد یا تحمل دردهای ناشی از حاملگی را نداشته باشد و حاضر به حامله شدن نباشد و گاهی ممکن است زن با وجود علاقه به داشتن فرزند نمیخواهد زیبایی اندام خود را با حامله شدن از دست بدهد؛ بنابراین زوجین روی به روش باروری مصنوعی از طریق استفاده از رحم جایگزین می‌آورند، بدین صورت که جنین تشکیل شده از اسپرم و تخمک (والدین حکمی) را با وسایل پزشکی به رحم زن ثالثی وارد میکنند و آن زن حامله را در رحم خود تا مرحله تولد پرورش میدهد و پس از وضع حمل، کودک را به پدر و مادر حکمی و ژنتیکی تسلیم میکند. این پدیده منشأ بروز مسائل مختلف حقوقی شده است. قراردادی که میان زوج متقاضی فرزند و زن صاحب رحم منعقد میگردد، میتواند نقش بسزایی در رفع نگرانیهای طرفین و جلوگیری از اختلافات و دعاوی احتمالی داشته باشد؛ بنابراین شناخت دقیق ویژگیها و ماهیت اینگونه قراردادها چه از لحاظ شکلی و ماهوی امری اجتناب‌ناپذیر به نظر میرسد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ص ۵۳۲)

رحم جایگزین

از نظر لغوی قرارداد به معنی عقد به کار میرود و شامل عقد عهدی، تملیکی، مالی، غیرمالی، معوض و غیرمعوض میشود؛ بنابراین قرارداد رحم جایگزین را نیز میتوان در زمره یکی از این عقود قرار داد. از نظر حقوقی قرارداد را میتوان توافق دو اراده قلمداد کرد، توافقی که از هماهنگ شدن خواست واقعی دوطرف ایجاد می‌شود. طبق ماده ۱۸۳ قانون مدنی کشورمان: «عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد»؛ بنابراین در هر عقد و قراردادی تعهدی وجود دارد که فرد را ملزم به رعایت مفاد آن می‌نماید. تعاریف متعددی برای استفاده از رحم جایگزین ارائه شده است. برخی آن را چنین تعریف کرده اند: «قراردادی که به موجب آن یک زن (مادر جانشین) در مقابل یک زوج ازدواج کرده (والدین حکمی) موافقت می‌کند که جنینی را برای آنها حمل کرده؛ بچه را بدنیا آورده و او را به مجرد تولد به آن زوج تسلیم نماید که آنها بچه را مثل فرزند خودشان بزرگ کنند». (نایب زاده، ۱۳۹۰، ص ۸۲)

به این تعریف برخی ایراد گرفته و معتقدند که این تعریف در عین حال که تبیین کننده عناصری از موضوع استفاده از رحم جایگزین است، به دور از ایراد نیست؛ چرا که بارداری مادر جانشین با تخمک خویش را نیز در بر میگیرد، حال آنکه در موضوع مورد بحث، زن صاحب تخمک، مادر اصلی فرزند است و اطلاق مادر جانشین به چنین زنی و همچنین اطلاق رحم جایگزین به این رحم صادق نیست. (حمدالهی - روشن، ۱۳۹۴، ص ۳۱)

به عبارت دیگر چنین قسمی تخصصاً از بحث جانشینی در بارداری خارج است و موضوع هبه یا فروش تخمک یا فرزند از سوی مادر نسبی درباره آن قابل طرح و بررسی است. (همانجا) ایراد دیگری که به تعریف فوق وارد می‌باشد این است که به استفاده از روشهای باروری کمکی تولیدمثل نیز اشاره نشده است؛ بنابراین با در نظر گرفتن حقوق و تعهدات طرفین و عناصر سازنده این قرارداد، میتوان قرارداد رحم جایگزین را چنین تعریف کرد:

قراردادی که طبق آن زن توافق میکند تا با استفاده از روشهای کمکی تولیدمثل و با استفاده از اسپرم و تخمک والدین حکمی که در رحم زن شرعی و قانونی زوج و یا محیط آزمایشگاه بارور شده و به جنین تبدیل شده، باردار گردد و پس از سپری شدن مدت حمل و وضع آن، کودک متولد شده را به زوج طرف توافق تحویل دهد؛ در مقابل، والدین حکمی نیز متعهد میشوند که بسته به نوع قرارداد، نسبت به پرداخت هزینه ها و حق الزحمه مادر جانشین (در قرارداد معوض) و ایفای تعهدات مربوط (در قرارداد غیرمعوض) مبادرت ورزند (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ص ۲۴۹).

اقسام قرارداد رحم جایگزین

قراردادهای اجاره رحم از نظر عوض یا ما به ازای قرارداد به دو نوع تجاری و غیرتجاری (دوستانه) به شرح ذیل تقسیم بندی میشوند:

قراردادهای تجاری

در این نوع قراردادها، زوجین متقاضی بچه، با انعقاد قرارداد رحم جایگزین و در ازای این عمل، مبلغی را با توافق مادر جانشین به وی پرداخت میکنند؛ که این مبلغ عوض تعهدات مادر جانشین تلقی میگردد. (نایبزاده، ۱۳۹۰، ص ۸۱)

قراردادهای غیرتجاری یا نوع دوستانه

در این نوع قراردادها، مادر جانشین مبلغی به عنوان عوض تعهدات خود از زوجین متقاضی دریافت نمی کند و معمولاً زن و شوهر متقاضی زنی از بستگان نزدیک خود را جهت قبول این عمل برمیگزینند و مادر جانشین نیز اغلب به دلیل انگیزه های نوع دوستانه تن به این کار می دهد. (همان منبع)

حق و حدود آن برای انسان

در این مبحث قبل از آنکه به ویژگیها و ماهیت قرارداد رحم جایگزین بپردازیم به تعریف حق و حدود استفاده صاحب حق از آن، انواع حق و اینکه آیا انسان نسبت به اعضای خود این اجازه را دارد که آنها را مورد قرارداد، قرار دهد؟ آیا اصولاً زن حق دارد اندام خود را به این صورت در اختیار دیگران قرار دهد؟ و اینکه آیا استفاده از این نوع حق با حقوق مربوط به شخصیت تعارض دارد یا خیر؟ پرداخته می شود. «قدرتی که از طرف قانون به شخص داده شده حق نامیده میشود. در فقه در همین معنی کلمه سلطه را به کار میبرند». (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ص ۲۱۶)

در تعریف دیگری چنین عنوان شده است که حق «توانایی است که حقوق هر کشور به اشخاص میدهد تا از مالی به طور مستقیم استفاده کنند یا انتقال مال و انجام دادن کاری را از دیگری بخواهد». انسان در زندگی روزمره خود برای ادامه حیات و کسب درآمد از اندامهای خود استفاده می نماید حتی در مواردی انسان میتواند با اختیار در این رابطه تصرف کرده و بعضی از اعضای بدن خود را به دیگری جهت پیوند اهداء کند. (جعفری لنگرودی، همان منبع، صص ۲۲۴ - ۲۳۸)

بنابراین انسان عموماً نسبت به اندام خود حقی دارد و حقوق نیز این حق را برای اشخاص به رسمیت میشناسد و اهدای اعضا تا جایی که مخالف اخلاق حسنه و نظم عمومی نباشد، مجاز و پسندیده شمرده میشود. حق انسان بر اندام و اعضای بدن خویش مسلماً قابل مبادله و تقسیم به پول نیست و نمیتوان با خرید و فروش آنها برای تأمین نیازمندیهای مادی انسان استفاده کرد؛ بنابراین این حق از جمله حقوق مالی محسوب نمیشود. در رابطه با حقوق غیرمالی مانند حق ابوت، حق حضانت و غیره نیز با حق مورد نظر ما منطبق نیست چرا که این حق مربوط به اعضا و جوارح انسان است که بیشتر مربوط به شخصیت اوست و این حق را چنین تعریف کرده اند: «حقوقی است که بر هر انسان قطع نظر از وابستگی او به گروه اجتماعی خاص تعلق دارد، حقوقی که بیشتر از شخص انسان حمایت میکند تا منافع مادی او، حقوق مربوط به شخصیت، برخلاف حقوق مالی (مانند مالکیت) غیرقابل انفکاک از شخص و شخصیت انسانی است». حال که مشخص شد حقوق انسان بر اعضای خویش از جمله حقوق مربوط به شخصیت است و مورد نظر و حمایت قانونگذار میباشد، لازم است که ویژگیهای حقوق و قراردادهای مربوط به شخصیت را بررسی کنیم. (صفایی، قاسم زاده، ۱۳۹۴، ص ۱۷)

ویژگیهای مربوط به حقوق خصوصی

حقوق مربوط به شخصیت انسان دارای ویژگیهایی است که جدا از دارایی او محسوب می شود این حقوق:

۱- به ارث نمی رسند و با پایان یافتن زندگی انسان، شخصیت حقوقی او نیز ساقط می شود.

- ۲- با توجه به اینکه از جمله حقوق مالی به شمار نمی روند، قابل توقیف بوسیله بستانکاران نیستند.
- ۳- نمی توانند موضوع قرارداد واقع شوند، ولی در برخی موارد استثنائاً از این گونه حقوق در قراردادها نیز استفاده میشود.
- ۴- قواعد مرور زمان نسبت به این حقوق جاری نمی شوند، چرا که این قواعد مخصوص حقوق مالی هستند. (همان منبع، ص ۱۸)

در رابطه با قراردادهای مادر جانشین که هم با حقوق مربوط به شخصیت جسمی و هم با حقوق مربوط به شخصیت معنوی انسان مرتبط است باید عنوان نمود که ممکن است این قرارداد با حقوق مربوط به شخصیت انسان در تعارض باشد، چرا که این عمل آزادیهای فردی مادر جانشین را محدود میکند و باعث مداخله اشخاص ثالث در زندگی خصوصی انسان می گردد و همچنین ممکن است به اعتبار و حیثیت اجتماعی او نیز لطمه وارد کند؛ بنابراین در مورد ویژگیهای مربوط به شخصیت انسان، این سؤال مطرح است که آیا انسان می تواند با اراده و اختیار خود، حقوق مربوط به شخصیت خود را با انعقاد قراردادی محدود کند؟ جهت پاسخ به این سؤال باید قراردادهای مربوط به شخصیت انسان را مطالعه کنیم:

قراردادهای مربوط به حقوق خصوصی

به موجب ماده ۹۶۰ قانون مدنی: «هیچ کس نمی تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرفنظر کند». همان گونه که میدانیم ماده فوق به صورت کلی و مطلق بیان شده است و شامل حقوق اساسی مربوط به شخصیت انسان، مانند حق آزادی، حق حیات، حق ازدواج و غیره میشود، اما انسان میتواند حقوق جزئی را از خود سلب کند و در قالب قرارداد این حقوق را مورد داد و ستد قرار دهد و از آن منتفع شود و یا آنها را به رایگان در اختیار هموعان خویش قرار دهد؛ اما نمیتوان حقوق اساسی مربوط به شخصیت را به موجب قرارداد یا یک جانبه اسقاط و یا به دیگران واگذار کرد مثلاً شخص هرگز نمیتواند از حق حیات خود صرفنظر کند زیرا قواعد راجع به حقوق مربوط به شخصیت جز قواعد آمره و مرتبط با نظم عمومی است. (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۳۷۵)

بدین لحاظ قراردادهایی که به حقوق مربوط به شخصیت تجاوز میکند باطل است ولی با وجود این پاره ای از قراردادها که موضوع آنها حقوق مربوط به شخصیت است و در برخی از موارد به این حقوق صدمه میزند مجاز شناخته شده است: همانند قراردادهایی که صدمه سبک و ناچیز به جسم انسان وارد میکنند و موضوع آن نیز منفعت عقلایی و مشروع دارند مانند فروش گیسو یا خون انسان یا قراردادهایی که دارای نفع عمومی اند نیز صحیح میباشند؛ مانند قرارداد عضو برای پیوند کلیه یا قلب که طبق بند ۲ ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی، میتوان گفت که عمل پیوند عضو با رضایت اعطاکنده و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی مجاز است. (نایب زاده، ۱۳۹۰، صص ۱۴۷ و ۱۴۸)

بنابراین میتوان گفت هرچند که قراردادهای مادر جانشین ظاهراً با حقوق مربوط به شخصیت انسان در تعارض است ولی در خصوص اصل برقراری این گونه قراردادها مشکلی به لحاظ حقوقی دیده نمیشود، زیرا این گونه قراردادها:

۱- صدمه سبک و غیرقطعی است به صورتی که بارداری و زایمان نوعاً برای بانوان حالتی است که عرف و عادت آن را حالت طبیعی و معمولی تلقی میکند.

۲- با نظم عمومی و اخلاق حسنه مغایرتی ندارد و با نفع عمومی همراه است و هدف والدین حکمی از انعقاد قرارداد از نظر اجتماعی مفید بوده و مستلزم ضرر برای کسی نمی باشد.

۳- متضمن ضرر برای مادر جانشین نمی باشد و مادر جانشین با اراده و اختیار کامل خویش مبادرت به انعقاد این قرارداد میکند و با خطرات احتمالی این امر آگاه است. (نایب زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹)

به لحاظ دلایل فوق الذکر، قراردادهای راجع به مادر جانشین را علی رغم لطمه به حقوق مربوط به شخصیت، می توان از نظر حقوقی مجاز شناخت چون این مقدار تصرف مادر جانشین در حقوق مربوط به شخصیت را از نظر حقوقی جایز می باشد.

ضرورت طرفین قرارداد رحم جایگزین

وجود قرارداد برای تشخیص اشخاصی که از نظر ژنتیکی با بچه ارتباط دارند، تعیین پدر و مادر قانونی طفل، تعیین تعهدات طرفین و شروطی که مورد توافق قرار گرفته است، دستیابی به قصد مشترک طرفین، برطرف نمودن شبهه زنا در مورد مادر جانشین و مشخص شدن نسب طفل متولد از مادر جانشین وجود قرارداد، در استفاده از این روش باروری ضروری به نظر می‌رسد. (نایب زاده، ۱۳۸۰، صص ۹۴ و ۹۵)

بنابراین به دلیل اینکه در این زمینه در حقوق ایران قانون خاصی نداریم، بنابراین تعهدات و تکالیف طرفین و شرایط ضمن عقد که در راستای اجرای این قرارداد پیش بینی می‌شود وجود قرارداد را در این خصوص لازم می‌نماید و قرارداد میتواند نقش بسزایی در رفع نگرانیهای طرفین و جلوگیری از دعاوی احتمالی داشته باشد.

طرفین قرارداد رحم جایگزین

طرفین قرارداد رحم جایگزین والدین حکمی و مادر جانشین می‌باشند که در اثر تراضی آنها قرارداد واقع می‌شود؛ اما باید دانست که قرارداد اجاره رحم قرارداد ساده دوطرفه نیست که صرفاً مانند سایر قراردادهای عادی، طرفین آن از دو نفر تشکیل شوند، بلکه سایر اشخاص نیز در آن دخیل اند و به نحوی درگیر با قرارداد هستند یا در رابطه با انجام تعهدات مندرج در قرارداد بایستی با آنها هماهنگی به عمل آید که در زیر به تشریح آنها می‌پردازیم: زوجین نابارور (والدین حکمی): زن و شوهری که به امید بچه دار شدن، سبب انعقاد قرارداد شده و تعهداتی را به عهده می‌گیرند. مادر جانشین (صاحب رحم): زنی که با موافقت به انعقاد قرارداد، وظیفه حمل جنین و به دنیا آوردن بچه را به عهده گرفته و موافقت می‌کند که به مجرد تولد آن را به زوج نابارور تسلیم کند. شوهر زن جایگزین: بدون شک اولین شخصی که نقش بسزایی در انعقاد و اجرای این گونه قراردادها بعد از زوجین نابارور و مادر جانشین ایفا می‌کند شوهر زن داوطلب رحم جایگزین است درحالی که مادر جایگزین دارای شوهر باشد. چون قرارداد مادر جانشین نه تنها آزادیهای مادر جایگزین را تحت تأثیر می‌گذارد بلکه به طور غیر مستقیم محدودیتهایی برای شوهر وی ایجاد می‌کند؛ بنابراین اجازه شوهر زن داوطلب مادر جانشین نیز برای انعقاد قرارداد رحم جایگزین نیز لازم می‌باشد. پزشک متخصص ناباروری: معمولاً برای اجاره رحم نیاز به یک پزشک متخصص در امر ناباروری و همچنین مشاوران روانشناسی و روانپزشکی اجتناب ناپذیر است؛ بنابراین طرفین ضمن قرارداد، توافق می‌کنند که این عمل تحت نظارت یک یا چند نفر از پزشکان متخصص انجام گیرد تا در صورت بروز هرگونه مشکل و ایجاد اختلاف و یا راهنمایی و استمرار پزشکی و دارویی در طول دوره حاملگی و همچنین خدمات مشاوره‌ای بر مادر جانشین در رابطه با نگرانی‌های احتمالی وی در پی تسلیم بچه به زوج نابارور به آنها مراجع شود. (نایب زاده، ۱۳۹۰، ص ۹۷).

این تیم پزشکی که استفاده از رحم جایگزین را هدایت می‌کنند دارای مسئولیت هستند و مسئولیت آنان تابع قواعد مسئولیت مدنی اعمال پزشکی و درمانی است. بیمارستان یا زایشگاه محل تولد فرزند: بیمارستان یا زایشگاهی که قرار است فرزند در آنجا متولد شود شخص حقوقی به شمار می‌رود که می‌توان با اجازه قبلی جهت بدنی آوردن فرزند ناشی از قرارداد رحم جایگزین، بدلیل مسائلی از قبیل عدم پذیرش بیمارستان جهت کمک در امر تولد حاصل از این عمل به دلیل برخی حساسیت‌های موجود، مثل درج نام پدر و کمادر واقعی طفل در گواهی تولد بچه، با آن توافق حاصل نمود. خصوصیات قرارداد رحم جایگزین به اعتبار شرایط انعقاد و آثار آن در این مبحث قرارداد رحم جایگزین را به اعتبار شرایط انعقاد، (رضایی یا تشریفاتی) به لحاظ آثار قرارداد (لازم یا جایز) و به اعتبار موضوع و هدف اقتصادی (معوض و مجانی، مسامحی و معاملی) بررسی خواهیم کرد تا مشخص گردد این گونه قراردادها در شعار کدامیک از این تقسیم بندی ها قرار می‌گیرد (شهیدی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۸۴).

رضایی یا تشریفاتی بودن قرارداد رحم جایگزین

عقد از حیث آزاد یا مشروط بودن خلاقیت اراده به سه نوع قصدی (رضایی)، تشریفاتی و عینی تقسیم می‌شود. با استنباط از ماده ۱۹۰ و ۱۹۱ قانون مدنی چنین برداشت می‌شود که اساساً برای تشکیل عقد، همان وجود قصد انشا و شرایط اساسی

مندرج در ماده ۱۹۰ قانون مدنی کافی است و توافق هم رکن لازم برای انعقاد قرارداد است و هم کافی است و تشریفات دیگری لازم ندارد؛ بنابراین میتوان گفت در حقوق ما اصل بر رضایی بودن عقود است و عقد با تراضی واقع میشود و نیازی به هیچ شکل خاصی ندارد. لذا در مورد قرارداد رحم جایگزین که دارای ماهیت شبیه به عقد اجاره اشخاص میباشد، نیز باید آن را در شمار عقود رضایی دانست؛ اما بهتر است به دلیل اهمیت موضوع این گونه قراردادهای و آثار بسیار مهم آن، برای صیانت بهتر از خانواده، شکل خاص و تشریفات معینی برای بیان توافق دو اراده و شرایط انعقاد این گونه قراردادهای معین کرد تا در شمار عقود تشریفاتی قرار گیرد (شهیدی، همان، کاتوزیان، ۱۳۹۶، صص ۳۶ و ۳۷).

لازم یا جایز بودن قرارداد رحم جایگزین

در لازم یا جایز بودن قرارداد رحم جایگزین با توجه به قاعده فقهی «اصاله للزوم» که ماده ۲۱۹ قانون مدنی مؤید این امر میباشد؛ اصل بر لزوم قراردادهای خصوصی میباشد به غیر آنچه قانون تصریح به جایز بودن آنها نموده است و عقد برای متعاملین لازم الاتباع است و امکان فسخ عقد، امری استثنائی و برخلاف اصل است؛ بنابراین همه قراردادهای خصوصی به جز موارد مصرحه در خود قانون را باید از جمله عقود لازم به شمار آورد. در نتیجه قرارداد رحم جایگزین از این حیث در زمره قراردادهای لازم میباشد و طرفین آن باید به تعهدات مندرج در این قرارداد پایبند باشند و آنها را ایفا نمایند (کاتوزیان، ۱۳۹۶، صص ۲۱).

تملیکی یا عهد بودن قرارداد رحم جایگزین

عقد تملیکی چنانی که از نام آن پیداست، عقدی است که نتیجه مستقیم آن انتقال مالکیت است و عقد عهدی، عقدی است که صرفاً موجب پیدایش تعهد و تکلیف برعهده طرف عقد باشد یا موجب انتقال و سقوط تعهد باشد. طبق تعاریف فوق، در قرارداد مادر جانشین تملیکی صورت نمی پذیرد و این گونه قراردادهای برای هر یک از طرفین تعهدی ایجاد میشود، بنابراین قرارداد اجاره رحم با مادر جایگزین در تقسیم بندی عقود عهدی قرار می گیرد (شهیدی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۸۳، کاتوزیان، ۱۳۹۶، ص ۳۴، جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، صص ۴۵۷ - ۴۵۹).

معوض یا مجانی بودن قرارداد رحم جایگزین

عقد معوض عقدی است که دارای دو مورد است که هر یک از آن دو در عوض دیگری قرار دارد. این دو مورد ممکن است هر دو مال یا هر دو تعهد و یا یکی مال و دیگری تعهد باشد؛ اما عقدی که دارای یک مورد است و عوض ندارد عقد مجانی یا غیرمعوض می گویند. همان گونه که در اقسام قراردادهای مادر جانشین عنوان شد، ممکن است این قراردادهای از نوع معوض (تجاری) یا از نوع غیرمعوض و دوستانه (غیرتجاری) باشند؛ بنابراین قراردادی که به صورت معوض انجام میشود از نوع عقود معوض است و آثار این عقود بر آن بار میشود. در مقابل، اگر قراردادی که منعقد میشود از نوع غیرتجاری و نوع دوستانه باشد جز قراردادهای مجانی به شمار می آید. در این قراردادهای، مقصود اصلی طرفین به دست آوردن سود مادی و مبادله مال نیست بلکه عواطف خاص محرک اصلی در قبول تعهد میشود و عموماً بین خویشاوندان نزدیک منعقد میشود. البته باید دانست در قراردادهای غیرمعوض میتوان شرط عوض کرده و این شرط ماهیت قرارداد اصلی را از حالت غیرمعوض به معوض مبدل نمیکند. (کاتوزیان، ۱۳۹۶، صص ۲۸ و ۲۹).

مسامحی یا معاملی بودن قرارداد رحم جایگزین

تقسیم بندی عقود به مسامحی یا معاملی بودن بر مبنای هدف اقتصادی است که طرفهای قرارداد دنبال می کنند؛ اصولاً در عقود معوض و معاملی، طرفین قصد سودجویی و داد و ستد داشته و در پی آنند تا در برابر آنچه از دست می دهند، عوض متعادل یا گران بهاتر به دست آورند. ولی در پاره‌های از قراردادهای، متعاقبین چنین مادی نمی اندیشند و هدفهای اخلاقی آنان

بر سودجویی های متعارف غلبه دارد. این گروه از قراردادها را «عقود مسامحی» می نامند؛ بنابراین به قرارداد رحم جایگزین نوع دوستانه اصولاً بر مبنای تسامح است و انگیزه مادر جانشین بر مبنای هدفهای اخلاقی است و اگر شرط عوض نیز گردد، لطمه ای بر اجرای معامله انجام شده بر مبنای تسامح نمیزند. حتی در نوع تجاری آن گرچه مادر جانشین بر اساس عوض اقدام به این عمل مینماید اما انگیزه های عاطفی و اخلاقی نیز در آن بسیار مؤثر است و نمیتوان آن را از عقود معاملی دانست؛ بنابراین میتوان گفت قرارداد رحم جایگزین در گروه «عقود مسامحی» قرار دارد. (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۲۸)

صحت قرار داد رحم جایگزین

طبق قانون مدنی کشورمان، شرایط انعقاد هر قرارداد برابر ماده ۱۹۰ این قانون بر این شرح معین شده است: (۱) قصد طرفین و رضای آنها؛ (۲) اهلیت طرفین؛ (۳) موضوع معین که مورد معامله باشد؛ (۴) مشروعیت جهت معامله؛ بنابراین طبق ماده فوق قرارداد رحم جایگزین نیز می بایست شرایط چهارگانه فوق را داشته باشد تا از صحت حقوقی برخوردار باشد. حال هر یک از شرایط فوق را ضمن انطباق با قرارداد رحم جایگزین بررسی می نماییم.

وجود قصد و تراضی طرفین

قصد موردا در عقد لازم و ملزوم یکدیگرند و بدون وجود هر یک از آنها عقد کامل و صحیح نیست. رضایت به تنهایی منتهی به انشا نمی گردد و اثری در عالم حقوق ندارد، همچنین قصدی که مبتنی بر رضایت واقعی نباشد، به طور کامل مؤثر نخواهد بود. در قرارداد رحم جایگزین نیز طرفین پس از قصد و رضای انجام عمل با یکدیگر به توافق میرسند. در این گونه قراردادها قصد هر یک از طرفین کاملاً مشخص است چرا که این قرارداد از جمله عقود خاص است و مانند عقود دیگر نیست که امکان اشتباه در قصد انشا مورد نظر واقع شود. چون احتمال اینکه طرفین از قصد یکدیگر برای انجام این عمل آگاه نباشند خیلی ضعیف است، بدین ترتیب، در قرارداد استفاده از رحم جایگزین، عنصر اصلی یعنی «قصد و رضا» کاملاً محقق است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۵۳).

اهلیت طرفین در قرارداد رحم جایگزین

در حقوق ایران، شخص هنگامی اهل محسوب میشود که هم بتواند به صورت شرعی و قانونی دارای حق گردد (اهلیت تمتع) و هم بتواند حق دارا شده را اجرا و اعمال نماید. (اهلیت استیفا) بر اساس نظر فقها؛ و بر طبق ماده ۲۱۱ قانون مدنی برای اینکه متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ، عاقل و رشید باشند. در قرارداد استفاده از رحم زن علاوه بر اینکه طرفین قرارداد باید عاقل، بالغ و رشید باشند (اهلیت عام) شرایط دیگری نیز لازم است (اهلیت خاص) که پزشکان برای جلوگیری از مشکلات احتمالی در نظر می گیرند. هر چند در این زمینه قانون یا رویه خاصی نداریم اما میتوان از جمله اهلیت خاص به ناباوروری زوجین متقاضی، بردار شدن زن صاحب رحم، رضایت شوهر در صورتی که صاحب رحم دارای شوهر باشد و غیره اشاره کرد (شهید اول، ۱۳۹۱، ص ۱۸۰).

مورد معامله در قرارداد رحم جایگزین

اصولاً در هر عقدی موضوع آن باید مشخص و معین باشد. ماده ۲۱۴ قانون مدنی بیان می دارد: «مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هر یک از متعاملین تعهد تسلیم یا ایفاء آن را میکنند». مورد معامله در معاملات معوض دو مورد است در حالیکه در معاملات غیرمعوض یک مورد میباشد. در عقود عهدهی که قرارداد رحم جایگزین در این گروه قرار دارد طرفین، تعهد به انجام کاری میکنند. بدین ترتیب در قرارداد مادر جانشین «مورد معامله» یا همان «موضوع تعهد»، انجام کار است. پس لازم است این عمل برای هر یک از آنها معین باشد. در زیر به تعهدات اصلی طرفین قرارداد مادر جایگزین میپردازیم:

تعهدات والدین متقاضی

والدین متقاضی بچه بسته به نوع قراردادی که جهت استفاده از رحم جایگزین منعقد می‌نمایند تعهدات متفاوتی دارند. اگر قرارداد آنها نوع دوستانه باشد والدین صرفاً نسبت به پرداخت هزینه‌های غذا و درمان در برابر زن صاحب رحم مدیون می‌گردند و اگر از نوع تجاری و معوض باشد، تعهدات والدین ناظر به پرداخت مبلغ مورد توافق به مادر جانشین طبق قرارداد میباشد. در قراردادهای معوض اجاره رحم، مبلغ قابل پرداخت بین ۲ تا ۹ میلیون تومان در نوسان است البته وقتی پای متقاضی خارجی از کشورهای دیگر به میان می‌آید واسطه قیمت را تا ۲۵ میلیون تومان هم بالا میکشاند. در مورد وضعیت پول پرداختی به مادر جانشین چهار دیدگاه را میتوان در نظر گرفت:

ممنوع بودن هر گونه پرداخت پول به مادر جانشین از جمله هزینه‌ها و مخارج وی.

ممنوع بودن پرداخت پول به مادر جانشین به غیر از هزینه‌ها، مخارج و خسارات وارده و معین بودن این موارد (تعیین حداقل و حداکثر مبلغ پرداختی در پارهای موارد).

اجازه پرداخت حق الزحمه به مادر جانشین با اعمال محدودیت در آن (تعیین حداکثر مبلغ پرداختی).

پرداخت پول به مادر جانشین بر اساس توافق. (نایب زاده، ۱۳۹۰، صص ۱۱۱ - ۱۱۶)

در خصوص پرداخت یا عدم پرداخت پول و نیز چگونگی آن رویه مشخص و ثابتی وجود ندارد و آنچه مسلم است اینکه ممنوعیتی برای پرداخت پول به مادر جانشین وجود ندارد و به دور از عدل و انصاف است که برای شخصی که متحمل این سختیها شده اجرتی هرچند به صورت شرط عوض به عنوان شرط فرعی و تبعی در قراردادشان لحاظ نگردد. به نظر میرسد که مبنای پول پرداختی به مادر جایگزین در قراردادهای نوع دوستانه از نوع مصالحه میباشد و بر مبنای گذشت و توافق بین طرفین میباشد و در قراردادهای معوض ریشه قراردادی دارد.

تعهدات مادر جانشین

تعهد مادر جانشین ناظر به پذیرش جنین و نگهداری آن در رحم خود و پروراندن آن در طول مدت حاملگی و تولد فرزند و در نهایت سپردن او به والدین حکمی است. پس موضوع این تعهد انجام کار یا عملی است که در قبال والدین متقاضی پذیرفته است؛ بنابراین علاوه بر معلوم بودن آن باید مقدر، مشروع و دارای نفع عقلایی باشد.

در این مبحث به ماهیت حقوقی قرارداد رحم جایگزین می‌پردازیم تا مشخص گردد این گونه قراردادهای جز عقود معین قرار دارند یا در عقود نامعین و قراردادهای خصوصی گنجانده می‌شود؟

بنابراین با توجه به اینکه چگونگی ساختار عقود همانند: «اجاره اشخاص و اشیا»، «جعاله»، «ودیعه»، «عاریه» و «صلح» ساختار مناسب تری با توافق و تعهد به جانشینی در بارداری دارند، به مقایسه این عقود با قرارداد رحم جایگزین پرداخته تا امکان یا عدم امکان استفاده از آنها برای چنین هدفی و تنظیم توافق مزبور به خوبی مشخص و معین گردد (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۶۱):

مقایسه قرارداد رحم جایگزین با عقد اجاره اشخاص و اشیا

عقد اجاره طبق ماده ۴۶۶ قانون مدنی عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره میشود. طبق نظر فقها و ماده ۴۶۶ قانون مدنی موجر منافع اجاره را به مستأجر تملیک میکند. از این پس مستأجر مالک است و مانند او از منافع عین استفاده میکند. هر چند مادر جانشین صلاحیت انتفاع از اندام خود را دارد، اما نمیتواند این حق را که از حقوق مربوط به شخصیت است به دیگران منتقل کند. همچنین طبق ماده ۴۷۶ قانون مدنی موجر باید عین مستأجره را تسلیم مستأجر کند و تسلیم برابر ماده ۴۷۷ همین قانون باید در حالتی باشد که مستأجر بتواند از آن استفاده مطلوب کند. از طرفی چون استیفای

منفعت، متوقف بر تسلیم عین مستأجره است لذا تسلیم آن از طرف موجر ضروری است و روشن است که مادر جانشین نمیتواند اعضای بدن خود را «رحم» را تسلیم والدین حقیقی کند. در نتیجه با توجه به موارد فوق نمیتوان قرارداد استفاده از رحم جایگزین را منطبق با عقد اجاره اشیاء دانست. اما در خصوص مقایسه با اجاره اشخاص باید گفت اجاره اشخاص عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع اجیر میشود. به این اعتبار اجاره اشخاص عقدی است تملیکی و بوسیله آن منافع اجیر به عوض معین مبادله میشود. (کاتوزیان، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۵۶۷).

اما منفعت در قرارداد مادر جانشین، کارکرد طبیعی رحم در پرورش جنین میباشد. این منفعت جز شخصیت مادر جانشین میباشد و والدین حقیقی نمیتوانند مالک این منفعت شوند. همچنین اگر قرارداد مادر جانشین را قرارداد اجاره اشخاص بدانیم، منفعت که کارکرد طبیعی رحم مادر جانشین در پرورش جنین است چهره مالی به خود میگیرد، به صورتی که حق مطالبه مبلغی پول در قبال آن برای مادر جانشین ایجاد میشود. حال آنکه این حقوق جز حقوق شخصیت است و چهره مالی ندارد؛ بنابراین به نظر میرسد برخلاف نظر برخی که ساختار عقد اجاره اشخاص را ساختار مناسب با توافق و تعهد جانشینی در بارداری میدانند منفعت قرارداد مادر جانشین به گونهای نیست که بتوان آن را در قالب عقد اجاره اشخاص قرار داد و ما به ازای حقوقی پول پرداختی به مادر جانشین را به آن شکل که عقد اجاره اشخاص به آن مینگرد، در نظر گرفت (حمدالهی - روشن، ۱۳۹۳، ۱۴۶).

قرارداد رحم جایگزین و عقد ودیعه

مطابق با ماده ۶۰۷ قانون مدنی ودیعه، عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می سپارد تا به صورت مجانی آن را نگاه دارد. آن چیزی که جوهر و مقتضای عقد ودیعه را تشکیل میدهد، سپردن مالی به منظور «نگهداری» به دیگری است و با نخستین مطالبه به صاحبش باید باز گردانده شود؛ بنابراین اگر معلوم شود که مقصود اصلی طرفین نگهداری مال نباشد، رابطه آنها تابع قواعد مربوط به عقد ودیعه نمیشود. در قرارداد رحم جایگزین نگهداری از نطفه به عنوان جهت اصلی عقد مورد نظر طرفین نیست. عمل سپردن جنین به منظور پرورش آن در رحم میباید نه برای نگهداری و مادر جانشین آن را برای پرورش در رحم خود قبول میکند نه برای نگهداری که هر وقت والدین حقیقی آن را مطالبه بکنند پس بدهد. هر چند لازمه تعهد اصلی (پرورش جنین در رحم) نگهداری از آن نیز میباشد که در این قرارداد نگهداری به عنوان یک تعهد فرعی در جهت انجام تعهد اصلی میباشد؛ بنابراین قرارداد رحم جایگزین نمیتواند با ساختار عقد ودیعه منطبق باشد (کاتوزیان، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۴).

قرارداد رحم جایگزین و عقد عاریه

طبق ماده ۶۳۵ قانون مدنی: «عاریه عقود است که به موجب آن احد طرفین به طرف دیگر اجازه می دهد که از عین مال او مجاناً منتفع شود». هر چند در عاریه مورد عاریه برای انتفاع به مستعیر داده می شود اما آنچه در واقع موضوع اباحه قرار میگیرد منفعت است. (کاتوزیان، همان منبع، ص ۴۰)

حال اگر قرارداد مادر جایگزین را عاریه بدانیم در این صورت مادر جانشین به والدین حکمی اجازه میدهد که از منفعت یکی از اعضا بدن خود که کارکرد طبیعی رحم آن زن می باشد، بهره مند شود. بدین ترتیب مادر جانشین باعث ایجاد حق انتفاع از یکی از اعضا بدن خود برای والدین حکمی در رابطه با منفعت مورد نظر میگردد که با توجه به اینکه حق انسان بر اندام و اعضا خود از حقوق مربوط به شخصیت است مادر جانشین این حق را ندارد که حقی برای دیگران در اعضا و اندام بدن خود به وجود بیاورد. علاوه بر این مورد، تسلیم مال مورد عاریه و قبض آن از سوی منتفع و امکان بازپس دادن آن به معیر (مادر جانشین) در قرارداد رحم جایگزین امکانپذیر نیست بدین ترتیب قرارداد رحم جایگزین با عقد عاریه قابل انطباق نیست. (نایب زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۵۷)

بر اساس ماده ۵۶۱ قانون مدنی: «جعاله عبارتست از التزام شخص به ادای اجرت معلوم در مقابل عملی، اعم از اینکه طرف معین باشد یا غیرمعین». برخی از نویسندگان حقوقی بر این اعتقادند که ماهیت قرارداد رحم جایگزین قابل انطباق با عقد جعاله میباشد. (معینی، ۱۳۹۳، ص ۲۹)

اشکالی که وارد است این موضوع میباشد که جعاله عقدی جایز است ولی قرارداد رحم جایز عقدی لازم است. برخی برای رفع اشکال اخیر اعتقاد دارند که قرارداد رحم جایگزین پیش از بارداری جایز و پس از آن لازم میشود. (رحیمی، ۱۳۹۳، ص ۲۴)

برخی دیگر برای چاره اندیشی پیرامون این اشکال پیشنهاد دادند که باید عقد جعاله را ضمن عقد لازم منعقد کرد؛ اما با توجه به مطالب فوق هر چند که میتوان با اعمال پاره ای تغییرات قرارداد رحم جایگزین را منطبق با عقد جعاله دانست، اما در وضع کنونی با در نظر گرفتن ویژگیهای واقعی این دو عقد در نظام حقوقی ایران، رحم جایگزین قابلیت انطباق با عقد جعاله را ندارد (علیزاده، بی نام، ص ۱۵۹).

صلح عبارتست از توافق برای ایجاد یا انتفاء یک یا چند اثر حقوقی بدون اینکه بستگی به احکام خاصه عقود معینی داشته باشد. همچنین در هر مورد که وجود حقی بین دو نفر مشتبّه باشد؛ یا مورد نزاع قرار گرفته باشد یا هدف این باشد که از تنازع احتمالی پرهیز شود، عقدی که بر این مبنا و گذشتههای متقابل طرفین واقع میشود صلح است. عده ای با توجه به پذیرش مفهوم گسترده صلح در قانون مدنی و مواد ۷۵۸ و ۷۵۴ و ۷۵۲ این قانون؛ بر این اعتقادند که توافق زوج نابارور برای بهره مندی از رحم مادر جانشین جهت حمل و پرورش جنین متعلق به آنها و در نهایت تحویل نوزاد به زوج نابارور در قالب عقد صلح تحقق می یابد، به این ترتیب که از یک سو اراده انشایی زن و شوهر نابارور و از سوی دیگر اراده مادر جانشین است که منجر به پیدایش عمل حقوقی در قالب عقد صلح می گردد. (دهقانی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۹)

هر چند این دیدگاه شاید به ظاهر صحیح به نظر میرسد اما باید توجه داشت که ماهیت قرارداد رحم جایگزین منطبق با عقد صلح نیست. همانطور که میدانیم اشخاص نه تنها در قرارداد رحم جایگزین بلکه در تمامی عقود معین دیگر همانند بیع و غیره میتوانند آنها را در قالب عقد صلح منعقد کنند و به هدف خود از انعقاد قرارداد دست یابند بدون آنکه آثار آن قالب معین توسط قانونگذار قابلیت اجرا را داشته باشد؛ اما باید هدف طرفین عقد صلح بوده باشد و یا اینکه در قرارداد تصریح گردد؛ بنابراین هر چند طرفین میتوانند قرارداد رحم جایگزین را صرفنظر از هر قالبی که برای آن در نظر بگیریم با تصریح این قرارداد را در قالب عقد صلح منعقد کنند ولی صرف ماهیت قرارداد رحم جایگزین منطبق با عقد صلح نیست (کاتوزیان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۸۰).

قرارداد رحم جایگزین و قرارداد خصوصی (ماده ۱۰ قانون مدنی) نظر به مطالب گذشته به نظر میرسد قرارداد مادر جانشین یک قرارداد مستقل با مقتضا و آثار مخصوص به خود میباشد. مقتضای اصلی قرارداد مزبور تعهد مادر جانشین بر حمل جنین به نفع زوجین متقاضی و تسلیم طفل پس از وضع حمل به آنها می باشد؛ که ممکن است بصورت معوض یا غیرمعوض (نوع-دوستانه) انجام شود. با عنایت به مطالب فوق، در حقوق ایران اینگونه توافقات از نوع عقود بی نام بوده و در چارچوب آیه «أفوا بالعقود» و ماده ۱۰ قانون مدنی قابل تحلیل و بررسی است. طبق ماده ۱۰ قانون مدنی: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است». همانگونه که اشاره شد قرارداد مادر جانشین مخالف و تعارضی با هیچ یک از نصّ های قانونی ندارد؛ بنابراین میتوان گفت قرارداد رحم جایگزین یک قرارداد خصوصی پذیرفته شده بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی میباشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰، ص ۱۵۷).

نتیجه گیری

قرارداد رحم جایگزین قراردادی است که طبق آن زنی توافق میکند تا با استفاده از روشهای کمکی تولیدمثل و با استفاده از اسپرم و تخمک والدین حکمی که در رحم یا در محیط آزمایشگاه بارور شده و به جنین تبدیل شده، باردار گردد و پس از سپری شدن مدت حمل و وضع آن، کودک متولد شده را به زوج طرف توافق تحویل دهد. در مقابل والدین حکمی نیز متعهد میشوند که بسته به نوع قرارداد، نسبت به پرداخت هزینه ها و حق الزحمه مادر جانشین و ایفای تعهدات مربوط مبادرت ورزند. از آنجایی که این گونه قراردادها با حقوق مربوط به شخصیت انسان ارتباط کامل دارند، نباید با قواعد مربوط به حقوق و

قراردادهای شخصیت انسانی معارض باشد. طرفین اصلی قرارداد رحم جایگزین زوج نابارور و مادر جانشین هستند و اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که به نحوی با این قرارداد مرتبط اند عبارتند از: شوهر زن جایگزین (که اجازه او نیز برای انعقاد قرارداد لازم است)، پزشک متخصص ناباروری و بیمارستان محل تولد. این قرارداد عقدی رضایی، لازم و از گروه عهدهی است و ممکن است از نوع عقود معوض یا غیرمعوض باشد. همچنین در شمار عقود مسامحی قرار دارد. با توجه به اینکه قراردادهای رحم جایگزین مانند سایر عقود در اثر توافق دو اراده به وجود می آید، قواعد عمومی قراردادها بر آن حاکم می باشد. جهت اعتبار بخشیدن به این قرارداد شرایط اساسی عقود و قراردادهای که در ماده ۱۹۰ قانون مدنی کشورمان از آن یاد شده باید فراهم باشد. در حقوق ایران، اگر تعهد مادر جانشین برحسب قرارداد نوع دوستانه باشد، پرداخت پول به وی بر اساس مصالحه است و در قراردادهای معوض مبالغ پرداختی به مادر جانشین رتبه قراردادی دارد. پرداخت پول در این گونه قراردادهای صحیح و ممنوعیتی برای پرداخت پول با مادر جانشین وجود ندارد. ماهیت حقوقی این گونه قراردادهای در قالب عقود اجاره اشیا، اجاره اشخاص، عقد ودیعه، عقد عاریه، عقد جعاله و عقد صلح قرار نمی گیرد و باید آن را در قالب قراردادهای خصوصی موضوع ماده ۱۰ قانون مدنی گنجانند.

منابع:

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۴)، ترمینولوژی حقوقی، چاپ پانزدهم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۰)، حقوق مدنی، رهن و صلح، چاپ دوم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۳. حمدالهی، عاصف - روشن، محمد، (۱۳۹۳)، بررسی تطبیقی فقهی و حقوقی قرارداد استفاده از رحم جایگزین، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
۴. دهقانی، حسین، (۱۳۹۳)، «رحم جایگزین»، حقوق روز، شماره ۵، ص ۱۵۹.
۵. رحیمی، حبیب الله، (۱۳۹۳)، «مسئولیت مدنی ناشی از رحم جایگزین»، باروری و ناباروری، شماره ۲، ص ۲۴.
۶. شهیدی، مهدی، (۱۳۹۶)، تشکیل قرارداد و تعهدات، ج ۱، چاپ ششم، تهران، انتشارات مجد.
۷. صفایی، سیدحسین - قاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۹۴)، حقوق مدنی: اشخاص و محجورین، چاپ دهم، تهران، انتشارات سمت.
۸. علیزاده، مهدی، (بی تا)، «ماهیت قرارداد استفاده از رحم جایگزین»، مجله تخصصی الهیات و حقوق، ص ۱۵۹.
۹. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۶)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی، قرارداد، ایقاع، چاپ دوازدهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۵)، دوره ی مقدماتی حقوق مدنی، درس هایی از عقود معین، ج ۱، چاپ نهم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، درس هایی از عقود معین، ج ۲، چاپ یازدهم، تهران، کتابخانه گنج دانش.
۱۲. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۴)، عقود معین، ج ۱، چاپ ششم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۳. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۲)، قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات مدرس.
۱۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۲)، ضمان قهری - مسئولیت مدنی، چاپ دهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۹۳)، مقدمه ی علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چاپ چهل و یکم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۶. کشوری، زهرا، (۱۳۹۰)، «رحم اجاره ای ۲ تا ۹ میلیون تومان»
۱۷. معینی، فرزاد، (۱۳۸۷)، «سخنی پیرامون رحم جایگزین»، آوای عدالت، شماره ۲، ص ۲۹.
۱۸. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۳)، تحریرالوسیله، ج ۱، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۱۹. نایب زاده، عباس، (۱۳۹۰)، بررسی حقوقی روشهای نوین باروری مصنوعی، مادر جانشین - اهداء تخمک و جنین، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

The study of private law in the field of alternative succor mothers and modern methods of artificial reproduction using alternative womb

Yadolah Nikkhah Noori

University lecturer, Master of Private Law, Islamic Azad University, Zahedan Branch

Abstract

One of the different modes of using modern methods of fertility is the use of an alternative womb, which is also referred to as "rent of the womb". This means that, according to the contract, a woman (an unmarried partner) accepts the use of auxiliary reproductive methods and using the sperm and oocyte of the parents to order a pregnant woman who has been fertilized in the laboratory and into a fetus, and after the delivery period has elapsed. The birth of the child will be delivered to the couple of the consent party (the parent of the verdict), and the parent will also be required to comply with the obligations according to the type of contract. Such contracts are fully related to the rights of the human person, and in our country there is no explicit legal basis in this regard, and although the legal nature of such contracts is not consistent with any of the legal contracts in civil law, despite the similarity with some of them, These contracts are valid and enforceable under Article 10 of the Civil Code.

Keywords: alternative womb, parental authority, obligations, contract, substitute mother. rivate Law, Islamic Azad University, Zahedan Unit
